

سوسیالیست و آزاد اندیش یاماشات با لیبرالیزم!

اخیراً جمعی از اعضاء سابق کومه له و حزب کمونیست ایران " موسوم به فراکسیون فعالیت بنام کومه له " طی اطلاعیه ای حزب کمونیست ایران را تحویل موهوم پرستان داده و کومه له سوسیالیست و آزاد اندیش را برای خودشان نگهداشته اند! آفرین به این انصاف و احسنت به این آزاد اندیشی! البته قبل از آنان هم اعضاء اسم و رسم دارتری، کومه له را بقول خودشان از حزب کمونیست جدا کردند، مدعی بودند با این جدایی موجبات توسعه و پیشرفت کومه له را فراهم میکنند. آن زمان، رفقای که تقریباً یک دهه بعد ملقب به " فراکسیون فعالیت بنام کومه له " شدند، همانند انشعابیون مدعی بودند که ما (حزب کمونیست ایران و کومه له)، ظرفیت فعالیت در شکل و فرم سازمانی کنونی را نداریم و مناسب تر است، سازمان تشکیلاتی مان، صرفاً بنام کومه له فعالیت کند. ظاهراً این رفقا آنزمان، اختلافی برسرمبانی برنامه، استراتژی و سیاستهای حزب کمونیست و کومه له نداشتند، فقط با فرم تشکیلاتی، مخالف بودند. بنابراین بانشعابیون نرفتند و باحزب ماندند. کنگره نهم کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) بابرسمیت شناختن خواست این رفقا، مقرر نمود تا طی یک همه پرسی از اعضاء در این مورد پرسش بعمل آید. نهایتاً اکثریت اعضاء کومه له، فعالیت در فرم سازمانی حزب کمونیست ایران را انتخاب کردند.

متعاقب این همه پرسی، اگرچه این رفقا به تصمیم اکثریت تمکین کردند اما بتدریج معلوم شد، اختلاف این جمع با حزب کمونیست ایران تنها برسر آرایش تشکیلاتی نیست و در واقع تمکین آنان نه از سر وفاداری به باورهای مشترک، بلکه عدم انسجام در فرموله کردن اختلافات با این باورها بود که موقتاً آنان را در صفوف حزب کمونیست و کومه له نگهداشته بود.

نزدیک به یک دهه یعنی از کنگره نهم کومه له تا کنگره سیزدهم کومه له طول کشید تا این رفقا توانستند بر بحران فکری خود غالب شوند و مکنونات فکری خود را طی اطلاعیه ای که به اطلاعیه اعلام فراکسیون موسوم است، با اطلاع عموم برسانند.

اطلاعیه اعلام فراکسیون قبل از اینکه بیانگر نقطه نظرات مملو از ابهام این رفقا در مورد مبارزه طبقاتی، انقلاب کارگری، سوسیالیزم و استراتژی سوسیالیستی باشد، بیانگر این درک درست و رایج در صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران بود، مبنی بر اینکه اختلاف این رفقا برسر آرایش تشکیلاتی، قالب و قواره حزب کمونیست ایران نیست، بلکه اختلاف برسر موجودیت طبقه کارگر، میزان رشد و گستردگی مبارزه این طبقه، ممکن بودن انقلاب سوسیالیستی و استراتژی سوسیالیستی است.

متعاقب اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له و حزب کمونیست ایران مبنی بر رسمیت دادن به انشعاب اعلام نشده این رفقا، آنان طی اطلاعیه ای زیر عنوان ((بگذار حزب کمونیست ایران راموهوم پرستان بردارند، این کومه له سوسیالیست و آزاداندیش است که میماند))، ضمن بکارگیری ادبیاتی که در شان آنان نبود تلاش کرده اند کل اعضاء و مدافعین حزب کمونیست ایران را موهوم پرست و خود را واقعبین نشان دهند. کلیه اعضاء، کادرها و فعالین کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) را از گردونه کومه له حذف کرده و در عوض جمع خود و دو سازمان زحمتکششان و جمعی از کسانی را که سالهاست غبار کمونیست بودن را از خود پاک کرده اند را در این گردونه جای داده و به آن " کومه له سوسیالیست و آزاد اندیش " اطلاق میکنند.

این سوسیالیستهای آزاداندیش! بالحنی بسیار هیستریک و پرخاشگرانه به زعم خود دارند دلایل اثباتی شان را درباب موهوم پرستان بیان میکنند، اما باذره بین چه عرض کنم، با تلسکوپ هم نمیتوانی سرسوزنی از این موهوم پرستی اعضاء کومه له و حزب کمونیست را در اطلاعیه این حضرات بیابی. من میخواهم همانند یکی از اعضاء حزب کمونیست و کومه له با استفاده از بیانیته اعلام

فراکسیون فعالیت بنام "کومه له" و همچنین اطلاعیه اخیر این جمع به پاره ای از این موارد که به نظر آنان او هام است اشاره کنم :

۱_ یکی از مهمترین او هام حزب کمونیست ایران از نظراین جمع باور به ممکن بودن انقلاب سوسیالیستی و باور به بلوغ و توانایی طبقه کارگر در به سرانجام رساندن این انقلاب است . اگر چه آنان بی باوری خود به سوسیالیزم و به آمادگی ذهنی طبقه کارگر را صراحتاً اعلام نکرده اند، اما در بیانیه اعلام فراکسیون وقتی در مورد دستیابی به سوسیالیزم صحبت میکنند، سخنان خود را این چنین مطرح میکنند: " آیا سوسیالیزم در ایران به تنهایی ممکن است ؟ آیا چه درسهایی از انقلابات و شکستهای گذشته میشود گرفت؟ اقتصاد سوسیالیستی چه ملزومات و خصوصاتی دارد و چگونه عملی خواهد شد؟ چه عواملی مانع اتحاد طبقاتی کارگران است ؟ " (تاکید از من است)

سپس اضافه میکنند : " ما بر این باوریم که دستیابی به جامعه سوسیالیستی و استقرار آن در ایران و بویژه در کردستان پیچیدگیها و دشواریهای خود را داراست و ملزومات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را چه در سطح منطقه ای و چه در سطح جهانی می طلبد . " (تاکید از من است)

مجموعه این سوالات و سپس استنتاجی که از آن میشود نه تنها سوسیالیزم بعنوان یک نظام اجتماعی، بلکه مبارزه در راه انقلاب کارگری و تصرف قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر را نیز، به آینده ای دور و بعضاً ناممکن ماکول میکنند.

این جمع جواب تمام این سوالات و ابهامات را دارند، اما مصلحت سیاسی اجازه بیان و اعلام آنرا نمیدهد . آنان سوسیالیزم را به تنهایی در ایران ممکن نمیدانند، بنابراین استنتاج عملی این ذهنیت، خلع ید از کارگران بعنوان تنها نیروی محرک انقلاب سوسیالیستی است. این جهتگیری است که آنان را از حزب کمونیست و استراتژی این حزب متفکر کرده و تصور میکنند اعضای این حزب چون به امکان پذیر بودن سوسیالیزم و انقلاب کارگری باور دارند، او هام پرستند. جمع فراکسیون قطعاً میدانند اقتصاد سوسیالیستی چیست، چه ملزومات و چه خصوصاتی دارد و چگونه عملی میشود. مطرح کردن این چنین سوالاتی مصرف دیگری دارد. این ابهام پراکنی و تشویش اذهان توسط احزاب سوسیال دمکرات در طول تاریخ بکرات مشاهده شده. کمونیستهایی که به گفته خودشان همگی صاحب آدرس و اسم و رسمدار هستند اگر بعد از سی_چهل سال مبارزه قادر به حل این ابهامات نباشند، پاک معلوم است اراده کارگر را برای مبارزه و کسب قدرت سیاسی دچار تردید میکنند. منظور من این نیست که این جمع عزم جزم کرده اند که روحیه ی کارگران را تضعیف کنند، بلکه منظورم این است که ارزش مصرف این ابهام پراکنی، بیان و توجیه تغییر ریلی است که این رفقا مشغول به سرانجام رساندن آن هستند. ما میدانیم دو انقلاب کارگری یکی در نطفه و دیگری در طفولیت شکست خورد. ما مطمئن نیستیم در فردای انقلاب سوسیالیستی همه چیز بر وفق مراد طبقه کارگر خواهد بود. اما مطمئنیم که طبقه کارگر فقط به نیروی خود پیروز میشود. مطمئنیم کمونیستها باید بدون هیچ تردید و اما و اگر در خدمت تشکل یابی این طبقه باشند. اینها همه از نظر این جمع موهوماتیست که ما را گرفتار حزب کمونیست ایران کرده و آنان گریبان خود را از آن خلاص کردند .

یقیناً تمام کمونیستها و فعالین جنبش کارگری پیچیدگیها و مشکلاتی را که استقرار سوسیالیزم در فردای انقلاب کارگری ایران میتواند داشته باشد، به رسمیت میشناسند. فعالیت بخش وسیعی از کارگران ایران در کارگاه های کوچک، وجود و باز تولید عادات و فرهنگ خرده بورژوازی، مذهب و از همه مهمتر وجود و استیلائی نزدیک به یک قرن خفقان و دیکتاتوری آنچنان زخمهای عمیقی بر پیکر طبقه کارگر ایران وارد کرده که التیام آن به سالها وقت و فداکاری کمونیستها احتیاج دارد. از کشفیات جمع فراکسیون نیست که جامعه کردستان، یک جامعه غیر صنعتی است، هر شهروند کردستانی هم به این واقعیت واقف است که کردستان فاقد مراکز صنعتی و تولیدی کامپیوتریزه است. مگر خود جمع فراکسیون که بقول خودشان هر کدام بیش از سه دهه سابقه مبارزاتی دارند و خود را کمونیست میدانند، فراموش کرده اند، سی سال قبل جامعه کردستان به مراتب کمتر از امروز صنعتی بود! مگر صنعتی

نبودن کردستان بهانه ای شد که این جمع بجای فعالیت کمونیستی، به تلاش لیبرالی و آرمانهای سوسیال دمکراسی روی آورند! یکی از رفقای جمع فراکسیون، بعد از انشعاب سازمان زحمتکشان از کومه له، خطاب به مردم کردستان سخنان بارزشی بیان نمود که امروز درست به عکس آن دل مشغول شده است.

واقعیت این است این رفقا از تمام این ابهاماتی که برای خودشان درست کرده اند قصد استنتاج استراتژی دیگری، غیر از استراتژی کومه له و حزب کمونیست ایران را دارند. بهمین خاطر ما یعنی اعضای کومه له و حزب کمونیست ایران و به تبع آن کارگران و فعالین کمونیستی را که از این استراتژی هواداری میکنند، موهوم پرست خطاب میکنند و خودشان را سوسیالیست و واقعین.

فراکسیون فعالیت بنام "کومه له" برخلاف مبانی فکری و استراتژی

سوسیالیستی کومه له، از پیچیدگیها و دشواریهای استقرار اقتصاد سوسیالیستی در ایران و کردستان به این استنتاج رسیده اند که تلاش برای سازمان دادن انقلاب کارگری که مهمترین رکن استراتژی کومه له در کردستان است، را از دستور کار خارج کنند و در عوض استراتژی نیروهای مولده، غلبه بر عقب ماندگیهای اقتصادی، صنعتی کردن جامعه بانظارت و رهبری سرمایه داران دمکرات و باوجدان و تلاش برای انسانی کردن نظام سرمایه داری و اصلاح آن را در دستور کار فراکسیون قرار داده اند.

۲_ دومین مقوله ای که ما یعنی اعضای حزب کمونیست ایران و کومه له (سازمان کردستان این حزب) را از نظر جمع فراکسیون موهوم پرست تداعی میکند، برنامه کومه له برای حاکمیت مردم در کردستان است. فراکسیون معتقد است، "برنامه کومه له برای حاکمیت مردم در کردستان از بسیاری جهات برنامه ای برای عمل نیست." اگرچه فراکسیون تاکنون برنامه اثباتی خودشان را در مورد آینده کردستان اعلام نکرده اند، اما از ادبیات تاکنونی آنان و مخصوصاً از صحبتهای رفیق مینه حسامی درکنگره سیزدهم کومه له، پیداست، این برادران با ساختار شورایی که یکی از ارکان اصلی برنامه کومه له برای حاکمیت مردم کردستان است، مشکل دارند.

ماز میان دو الگوی حکومتی تجربه شده در دنیا، حکومت شورایی و حکومت پارلمانی، ساختار حکومت شورایی را برای آینده کردستان توصیه کرده و بر این ساختار تأکید کرده ایم، اما فراکسیون (طبق گفته های تاکنونی) نظام شورایی را، نظامی غیر عملی، ذهنی، غیر قابل اجرا و مختص به دوران انقلابی میدانند.

فراکسیون، مارابه همین دلیل موهوم پرست و خودشان را که نظام پارلمانی را، عملی و قابل اجرا میدانند، واقعین به حساب میاورند!

اگر معنای واقعینی طرفداری از نظام پارلمانی است! اگر معنای موهوم پرستی دفاع از حکومت شورایی است! اگر واقعینی باسیستم فدرالی تداعی میشود و طرفداری از سیستم شورایی با اوهام پرستی! صد البته که ما ترجیح میدهیم اوهام پرست باشیم. واقعین بودن ارزانی کسانی، که رخت بر بسته و قصد سفر کرده اند، تا خیمه خود را در جای دیگری مستقر کنند. جبهه واقعین، تمام خلقی، طرفدار فدرالیسم، منتظر شماست. کمیته مرکزی سازمان زحمتکشان کردستان، به این واقعینی شما تبریک گفته و از اینکه بایک فاصله زمانی ده ساله توانستید شر کومه له کمونیست، اوهام پرست را از سر خود باز کنید اظهار شرف و شادمانی کرده و از شما دعوت بعمل آورده تا با آنان در تدوین پلاتفرم مشترک، سهیم شوید. (اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان زحمتکشان کردستان _ ۳ اپریل ۲۰۰۹)

رفقا! نکنند بقایای اوهام پرستی ناشی از چند دهه کار و فعالیت در صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران موجب شود، این دعوت رانادیده بگیرید! یادش به خیر، در بعضی از جلسات حزبی، وقتی یکی از ما موهوم پرستان، دچار توهم میشدیم و بر این اساس گوشه ای از نظرات شما را با زحمتکشان (آنها) با چندبار معذرت خواهی که مبادا به قبای شما برخورد) مقایسه میکردیم، چه غوغایی میشد!

۳_ جلوه دیگری از او هام پرستی کومه له و حزب کمونیست ایران، موضع ما در قبال سایر گرایش‌های اجتماعی است. فراکسیون، در یکی از بندهای بیانیه خود می‌گویند: "در کل مدعیان چپ و از جمله ماگاهی حتی نظراتی تا حدتخطیه هر نوع جنبش و خواست دمکراتیکی به میدان آمده، گاه بامعیار منافع سکتی با آنها روبرو گشته ایم. این در نهایت به معنای یاسیفیزم و خود را بی وظیفه کردن در قبال این جنبش‌هاست (جنبش زنان، جنبش دانشجویی و...) از منظر این دیدگاه همچنانکه ذکر آن رفت، گرایش‌های دیگر در درون جنبش‌های اجتماعی محلی از اعراب ندارند و قابل پشتیبانی هم نیستند و تنها گرایشی که باید مورد پشتیبانی قرار گیرد، گرایش سوسیالیستی است، آنهم در نوعی که خود می‌پسندند و میبایستی قبلاً مورد تأیید قرار گرفته باشد." (بیانیه) تاکید از من است.

در جامعه سرمایه داری ایران، جنبش‌های معینی وجود دارند که شناخته‌ترین و اکتیوترین آنها عبارتند از؛ جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش انقلابی کردستان. هرکس که با الفبای مارکسیزم و مبارزه طبقاتی آشنایی داشته باشد، میداند که در درون این جنبش‌های اجتماعی دو گرایش سیاسی و طبقاتی متفاوت در مقابل هم صف آرایی کرده‌اند. در جنبش کارگری، لیبرالها با مطالبات صرفاً رفرمیستی و مصالحه جویانه با حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی در مقابل سوسیالیستها ایستاده‌اند. در جنبش زنان فمنیست‌های لیبرال دست در دست فمنیست‌های اسلامی در مقابل زنان سوسیالیست و انقلابی قرار گرفته‌اند. در جنبش دانشجویی، دانشجویان چپ و سوسیالیست روبروی بقایای سازمان تحکیم وحدت و لیبرال‌های سکولار قرار دارند و در جنبش انقلابی کردستان گرایش ناسیونالیستی و لیبرالی در مقابل گرایش سوسیالیستی به رهبری کومه له، ایستاده‌اند. به باور فراکسیونی‌ها، مواضع کومه له و حزب کمونیست ایران در مقابل با لیبرال‌ها در درون جنبش‌های اجتماعی، اذهان مردم را مغشوش میکند. همچنین درکنگره سیزدهم کومه له، سیاست حزب در رابطه با کمپین یک میلیون امضا از طرف یکی از اعضای فراکسیون مورد سرزنش قرار گرفت.

کمونیست‌ها میدانند که سیاست ماماشات جویانه در قبال لیبرال‌ها هیچ وجه اشتراکی با استراتژی سوسیالیستی کومه له و حزب کمونیست ایران ندارد. اگر مبارزه برای سازمان دادن انقلاب کارگری و تصرف قدرت سیاسی از جانب طبقه کارگر و مبارزه برای الغای مالکیت خصوصی و لغو کار مزدی دو رکن اساسی استراتژی سوسیالیستی هستند. مسیر سازماندهی انقلاب کارگری و به زیر کشیدن نظام سرمایه داری که سرنگونی جمهوری اسلامی از اولین گام‌های آن است، رکن دیگر استراتژی سوسیالیستی میباشد. ما کمونیست‌ها به کودتا و تصرف قدرت سیاسی از جانب یک حزب یا فرقه سیاسی به جای طبقه کارگر اعتقادی نداریم، مامیخواهیم جمهوری اسلامی از طریق پیشروی طبقه کارگر و انقلاب کارگری سرنگون شود.

برخلاف موضع فراکسیون، تمام فلسفه جریان ما و کمونیزم مارکس برای حضور و شرکت فعال در جنبش‌ها و مقابله با گرایش لیبرالی و دیگر گرایش‌های بورژوایی با این هدف است که نگذاریم این جنبش‌ها در رسیدن به خواست‌های دمکراتیک خود شکست بخورند. نگذاریم این جنبش‌ها به نیروی ذخیره الترناتیو لیبرالیزم بورژوایی ایران تبدیل شوند. تمام تلاش ما برای تحقق این هدف است که گرایش سوسیالیستی توان آنرا بیابد که رهبری این جنبش‌ها را بدست گیرد و در اتحاد با جنبش کارگری، پیشروی سایر جنبش‌ها را در رسیدن به مطالباتشان تضمین کند.

فراکسیون، این جهتگیری ما را توهم پرستی مینامد و موضع گیری خودشان که ماماشات با لیبرال‌هاست، جهتگیری سوسیالیستی و واقع‌بینانه قلمداد میکند.

این رفقای "واقع‌بین و سوسیالیست‌های آزاداندیش" فراموش کرده‌اند که، سوسیالیست‌های آزاداندیش و واقع‌بین، در همان حال که کار آگاه‌گرانه و سازماندهی توده‌ای، طبقاتی و حزبی کارگران را در رأس کار و فعالیت روتین خود قرار میدهند، از حضور فعال در جنبش‌های دمکراتیک و تلاش برای تأمین رهبری سوسیالیستی بر این جنبش‌ها غافل نیستند.

فراکسیون ما را موهوم پرست خطاب میکند، چون در حد وسع و توان خود نگذاشته ایم توده های مردم و فعالین جنبشهای اجتماعی، فریب شعارهای لیبرال ها را بخورند.

۴_ مصداق دیگری که، فراکسیون، برای موهوم پرست بودن ما اعضای کومه له و حزب کمونیست ایران، پیدا کرده، این است که، ما چرا با آنان، نرفته ایم؟! این امر به فراکسیون مشتبه شده، که گویا گره کور عدم پیشرفت حزب کمونیست ایران و کومه له را گشوده و راه پیشرفت و دگرگونی را به آنان نشان داده، اما توهم پرستی اعضا، مانع از الحاق آنان به این سیل خروشان است!

جمع فراکسیون در اطلاعیه "بگذار (حکا) را موهوم پرستان بردارند....." مینویسند: "واقعیت این است که مواضع ما همانگونه که انتظار میرفت نظریساری از فعالین کومه له را که با هیچ یک از تشکلهای موجود همکاری ندارند، و همچنین نظر تشکلهایی را که با نام کومه له فعالیت می کنند، و بسیاری از فعالین جنبش کردستان را بطرف ما جلب کرد. این عکس العمل طبیعی دیگران نسبت بما و مواضع ما بوده است." (تاکید از من است)

این رفقای عزیز، اولاً، عقلیت اعضای کومه له را خیلی دستکم گرفته اند، و به نظر من، یک عذرخواهی به اعضا بدهکارند؛ ثانیاً، مبارزه طبقاتی را با فعالیت تبلیغاتی عوضی گرفته اند؛

نمیدانم، من توهم پرست باید نسبت به کدام مواضع شما متوهم باشم؟ شما، اوایل هیچ اختلافی بامبانی سیاسی و استراتژی حزب کمونیست نداشتید، متعاقب آن و بتدریج، از پاره ای سبک کارهای حزبی گله داشتید، نزدیک به ده سال فرصت داشتید، تامواضعتان رافرموله کنید و نهایتاً، بعد از یک دهه، با انتشار بیانیه ای، اعلام فراکسیون کردید. اگر منظورتان از مواضع، مطالبی است که در بیانیه درج شده؟! باید عرض کنم، که این مواضع، همانطور که خودتان نیز مستحضر هستید و در کنگره سیزدهم کومه له مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت، از نظر اکثریت، قریب باتفاق شرکت کنندگان در کنگره، در واقع کیفرخواستی بود، علیه خودتان، تا اینکه، موجب عطف توجه اعضا نسبت به شما گردد. شما تصور میکنید، فقط، خودتان، دارای آدرس و سابقه مبارزاتی هستید، و بقیه، انسانهای بینام و نشانی اند، که کورکورانه دنبال موسسین و ژنرالهای کومه له افتاده اند، اوهام پرستند و انگشت حیرت به دهان، فاقد ادراکند و قدرت تشخیص ندارند و رهبری حزب کمونیست آنان را جادو کرده است.

نمایندگان و شرکت کنندگان در کنگره سیزدهم کومه له به همین دلیل ساده ای که خود شما امروز با مباحث از آن صحبت میکنید، بیانیه اعلام فراکسیون را به کیفرخواست علیه شما، تبدیل کردند.

واضح و روشن است، آنچه را که، شما مواضع به حساب میاورید، ادعاینامه ای است علیه تمام دستاوردها و مرارتهایی، که خود شما از شرکای اصلی آن بوده اید. شما استراتژی سوسیالیسی خودتان را، که تلاش خستگی ناپذیر در طول سالیان فراوانی از عمرتان بود، یکشبه نفی کردید و به دور انداختید. معلوم است، چنین وضعیتی ما را متأسف و سازمان زحمتکشان را خوشحال میکند. جلب توجه سازمان زحمتکشان (هر دو) و جلب توجه، کسانی که سوابقی از کار و فعالیت در کومه له را داشته اند، نمیتواند دلیل حقانیت شما باشد و چنین وضعیتی نباید شما را که هنوز خود را کمونیست میدانید به وجد آورد. شما بهتر از من، میدانید در میان همین کسانی که امروز مایه فخر و مباهات شما هستند، کم نیستند کسانی که، دو برابر سنوات خدمتشان به کومه له، با کمونیزم و آرمانهای کمونیستی، دشمنی کرده اند.

اگر شما، "واقعین، آزاداندیش و سوسیالیست" هستید راهی جز مقابله با لیبرالها و ناسیونالیستها و نوکران رنگارنگ بورژوازی، ندارید.